

گفتگو با حمید شاه حاتمی کارگردان «ماهان»:

«ماهان»

تصویر امید روی پرده سینما

■ فریده مسعودی



در سینمای ایران کم و بیش به مسئله بیماری و فروپاشی فرد در زندگی شخصی و اجتماعی‌اش پرداخته شده است.

داستان‌هایی از تلاش آدم‌ها برای دهن کجی به طبیعت بیماری و جبرش و تلاش امیدوارانه برای زنده ماندن. تلاش برای غریزه‌های که نامش بقاست. این که چگونه، لحظات پر از رنج را رنگ آمیزی کنی و راوی داستان خودت باشی. ماهان اولین فیلم بلند حمید شاه حاتمی است که یکی از همین داستان‌ها روایت می‌کند. به بهانه حضور ماهان در بخش سودای سیمرغ چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر با کارگردان این اثر، به گفتگو نشستیم.

■ از انتخاب بازیگران بگوئید. گزینه‌های انتخابی چقدر به گزینه‌های اولیه مدنظر تان نزدیک بودند؟

از ابتدا تصمیم داشتیم که از حضور بازیگران تازه نفس در کنار بازیگران با تجربه استفاده کنیم، از آغاز می‌دانستیم که کار سختی در پیش داریم چرا که بازی در مقابل دوربین سینما بسیار سخت است و ظرایف خاص خودش را دارد. در جلسه‌های تمرین، سعی کردیم که شخصیت‌ها را برای بازیگران بشکافیم و وجوه پرننگ و در حاشیه مانده شخصیت‌ها را برایشان تشریح کنیم، خوشبختانه حضور هامون چاپچی که به همراه زهرا شاه حاتمی نگارش فیلمنامه را به عهده داشتند، به عنوان بازیگردان کمک کرد تا ذهنیت و خواسته‌های من و خودش را بهتر به بازیگران منتقل

انرژی می‌داد. در کنار هم قرار گرفتن دوستان با تجربه در کنار بازیگران تازه کار و جویای نام، معمولا ترکیب خوبی می‌شود.

■ اولین تجربه ساخت فیلم برای جشنواره فیلم فجر، با همه حساسیت و رقابتی که در این جشنواره وجود دارد، چطور بود؟

صادقانه باید بگویم که در ابتدای ساخت این فیلم هدفم نه شرکت در جشنواره و نه رقابت بود. به نظر رقابت در سینما معنا ندارد. همه دست اندرکاران سینما برای هدفی خاص و با یک مسئولیت اجتماعی و انسانی پا به این عرصه می‌گذارند. نه برنده‌ای وجود دارد و نه بازنده‌ای. هدف من و گروه ما کمک به انسان‌هایی بود که شاید در مراحل درگیری و دست و پنجه نرم کردن با سخت‌ترین روزهای زندگی‌شان، بارقه‌هایی از امید



به زندگی خودشان بتابانند. کاری که تنها و تنها به خودشان بستگی دارد. متاسفم که فیلم‌های دیگری که بی شک شایسته حضور در جشنواره بودند از این فرصت بازماندند و امیدوارم که برای فیلم‌های این عزیزان، بهترین اتفاق بیفتد. از روزی که آغاز به کار کردیم، تصمیم گرفتیم که عواید فروش فیلم را صرف درمان کودکان سرطانی بکنیم. بنابراین جایزه ما شنیدن این خبر است که روند درمان بیماران مبتلا به سرطان تسهیل شود و برای آن‌ها شرایط ویژه‌ای در نظر گرفته بشود. وضعیت اقتصادی زندگی روزمره برای مردمی که درگیر بیماری نیستند بسیار سخت شده، حالا بیمارانی را در نظر بگیرد که بسیاری از داروها و درمان‌هایشان تحت پوشش بیمه قرار نمی‌گیرد و سیاست‌های حمایتی هم شامل‌شان نمی‌شود. همه ما در جامعه به هم متصل هستیم و باید همدرد یکدیگر باشیم. وظیفه ما به عنوان هنرمند رساندن صدای این قشر مظلوم به مسئولان است. نجات جان

کند. در این فیلم، سعی در نمایش واقع‌گرایی رایج که در فیلم‌های سینمایی ما به شدت باب شده را نداشتیم. جلسه‌های تمرین قبل از فیلمبرداری به سه بازیگر جوان ما کمک کرد تا بیشتر و بهتر بتوانند در جهان شخصیت‌های داستان، قرار بگیرند. فکر می‌کنم هر کارگردانی بعد از گذراندن تمامی مراحل فنی، با خودش «ای کاش‌هایی» دارد و فکر می‌کند که اگر فیلم را دوباره بسازد، احتمالا فیلمی منسجم‌تر، بهتر و بانقاط ضعف کمتری می‌سازد.

متأسفانه شرایط تولید در سینمای ایران، روز به روز سخت‌تر می‌شود. وظیفه کارگردان بیشتر از پرداختن به متن، رسیدن به حاشیه‌ها و شرایط نا به سامان تولید است. به این شرایط، وضعیت وخیم کرونا در سال گذشته را هم اضافه کنید. در مرحله انتخاب اولیه، از نظر فیزیکی به بازیگرانی که می‌خواستیم، رسیدیم. حضور همایون ارشادی و رامین ناصر نصیر یک اتفاق دلگرم کننده و زیبا بود. رفتار حرفه‌ای و صبورانه و با اشتیاق این عزیزان به من بسیار

گفتگو با حسین بیرانوند بازیگر «بیرو»:

همیشه دوست داشتم مثل «علیرضا بیرانوند» باشم

■ تبسم کشاورز

«بیرو» فیلمی از زندگی علیرضا بیرانوند به نویسندگی و کارگردانی مرتضی علی عباس میرزایی است. نکته جالب توجه فیلم، حضور «حسین بیرانوند» است که تاکنون سابقه بازی در هیچ فیلمی را نداشته و معتقد است وارد شدنش به پروژه «بیرو» خودش قصه درازی دارد. حسین بیرانوند بازیگر فیلم‌سینمایی «بیرو» در گفت‌وگویی با روزنامه صبا به سوالات ما در خصوص این فیلم و چالش‌هایش پاسخ داده است که در ادامه می‌خوانید.

■ از طریق فراخوانی که در فضای مجازی برای فیلم سینمایی «بیرو» داده بودند برای این نقش معرفی شدید؟

حقیقتا وارد شدن من به پروژه «بیرو» قصه درازی دارد. من پیش از بازی در فیلم سینمایی «بیرو» فوتبال بازی می‌کردم و جزو باشگاه بروجرد بودم. سال ۹۸ سه ماه تابستان را که وقت داشتم به تهران آمدم و جزو آکادمی بیرانوند شدم. آن زمان برای جای خواب در رستوران کار می‌کردم پس از آن یک عکس در آکادمی بیرانوند از خودم منتشر کردم. تا این که مجتبی زرنیجو که در ارشاد خرم‌آباد بودند مرا به گروه کارگردانی «بیرو» معرفی کردند. آن جاجرانی از من ویدئویی گرفت که به آقای عباس میرزایی نشان دهند. وقتی آقای عباس میرزایی مرا دیدند خوششان آمد و مرا برای کار به تهران دعوت کردند.

■ بازی کردن نقش «علیرضا بیرانوند» چه حسی داشت؟

علیرضا بیرانوند الگوی فوتبالی من بود. همیشه دوست داشتم یک روزی مثل او باشم و افتخاراتی را که او به دست آورده من هم کسب کنم.

■ کمی از چالش‌های کار کردن و ایفای نقش در «بیرو» برایشان بگوئید.

روزهای پیش تولید بسیار سخت بر من گذشت. سه روز اول فیلمبرداری را جوری آغاز کردند که من نبودم. وقتی فیلمنامه را خواندم خیلی نگران شدم چرا که من بازیگر نبودم و تجربه کار کردن در این حیطه را نداشتم. من حتی در نگاه کردن هم مشکل داشتم و بیجا به دوربین نگاه می‌کردم و یا می‌خندیدم. خلاصه با صحبت‌ها و راهنمایی‌های آقای عباس میرزایی و آقای محمد علی محمدی که نقش پدرم را در فیلم بازی می‌کردند کم‌کم کنار آمدم. حقیقتا از کل گروه و عوامل برای امید و انگیزه‌ای که به من دادند متشکرم.

■ چه چیزی به شما انگیزه می‌داد که این سختی‌ها را تحمل کنید؟

به خاطر خانواده و مادرم خیلی دوست داشتم این نقش را بازی کنم. آقای علیرضا بیرانوند شخصی بود که من همیشه دوست داشتم برای یکبار هم که شده او را از نزدیک ببینم، اما حالا موقعیت و شانس برایم پیش آمده بود که نقش او را بازی کنم. تمام این‌ها باعث شد تا با امید و انگیزه به سمت انجام صحیح این کار گام بردارم.

■ علیرضا بیرانوند چقدر در کنار گروه و عوامل «بیرو» حضور داشتند و چه اندازه به شما برای ایفای نقششان کمک کردند؟

عکس‌ها و فیلم‌های مرا برای آقای بیرانوند فرستادند بسیار خوششان آمد. ایشان یکبار هم در مرحله پیش تولید «بیرو» به گروه سر زدند. با حرف‌هایشان به من روحیه و انگیزه دادند و سفارش مرا پیش گروه کردند.

■ در ادامه مسیر ترجیح شما فوتبال است یا سینما؟

چندین سال است که فوتبال را دنبال می‌کنم و آن را هرگز کنار نمی‌گذارم. بعد از جشنواره هم مصمم به کارم ادامه می‌دهم اما اگر در کنارش پیشنهاد بازیگری هم به من شود حتما قبول می‌کنم.



حتی یک نفر باید برای همه ما اهمیت داشته باشد.

■ حضور علی شاه حاتمی در این فیلم چقدر به شما و خروجی کار کمک کرد؟

بی‌گمان حضور و حمایت‌های ایشان در روی ریل قرار گرفتن این پروژه، نقش اساسی ایفا کرد. اگر تجارب ایشان نبود نمی‌شد با صرف چنین هزینه‌ای، فیلمی را ساخت که در چندین شهر ایران فیلمبرداری شده است. آن هم در زمان کرونا که شرایط کار و سفر، بسیار سخت‌تر از قبل بود. اما باید بگویم که در طول پروژه رابطه ما کاملا رابطه یک تهیه کننده و کارگردان بود که البته مناسبات حرفه‌ای هم، همین گونه ایجاد می‌کند. برای همین ایشان هم در اموری که مربوط به من بود، ورود نمی‌کردند.

■ «ماهان»، چه نکته یا لحظه ویژه‌ای دارد که بتواند در ذهن مخاطب ماندگار شود؟

به نظرم یک فیلم نمی‌تواند تنها یک لحظه ویژه داشته باشد یا بگوئیم نکته فیلم همین یک لحظه است و تمام. هر فیلم به تعداد بیننده خودش می‌تواند معنا داشته باشد اما می‌توانم بگویم که فیلم ماهان درباره این است که بیماری یک فرد تنها مربوط به خود او نیست و هر فرد در اجتماع مثل حلقه‌ای از زنجیر به دیگری پیوند دارد. ما در این فیلم از امید صحبت می‌کنیم. در مرحله پژوهش و در بررسی‌های میدانی متوجه شدیم که امیدوار بودن در روند درمان، بسیار تاثیرگذار است. بیمار با سپری کردن دوره‌های درمانی،

رفتارهای متناقضی از خود نشان می‌دهد و گویا تولدی دوباره دارد. فیلم «ماهان» همراه با یک بیمار به سفر دور و درازی در عمق شخصیت او می‌رود. با واکاوی هراس‌ها و گسست‌ها، ترس از دست دادن و تمام شدن...

■ به عنوان نخستین حضورتان در جشنواره فجر، چه پیش‌بینی‌ای برای فیلم‌تان دارید؟

فیلم «ماهان» فیلم خاصی است. از این رو که با جریان متداول سینمای بدنه ایران که در این روزها رایج شده متفاوت است، سعی می‌کند شاعرانه به زیبایی زندگی یک فرد نگاهی دوباره کند. زمانی که فکر می‌کنی قرار است در این دنیا نباشی شاید جهان را از منظر دیگری ببینی. برای فیلمم پیش‌بینی خاصی ندارم و همین که این امکان برای من و گروه سازنده ماهان برقرار شده که زحماتشان دیده شود، راضی هستم. قضاوت را به داوران و مردم می‌سپاریم. به امید آن که مقبول و کارگشا باشد.